

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۴۱

جمعه ۱۱ دی ۱۳۹۴، ۱ ژانویه ۲۰۱۶

# سال نو را به همه کارگران و مردم آزادیخواه تبریک میگوئیم

انترناسیونال

## شکست داعش در رمادی و سرنوشت توحش اسلامی

کاظم نیکخواه

بیشتری خواهند کرد. اما سوال اینست که آیا واقعا داعش به همین سادگی نابود خواهد شد؟ آیا عراق بدون داعش همان عراقی است که ما مردم فکر میکنیم؟ آیا همان نیروها و ارتشهایی که اکنون با داعش

صفحه ۲

یعنی سال ۲۰۱۶. سال نابودی کامل داعش در عراق خواهد بود. قطعاً اگر روزی این گروه متحجر و وحشی و خونخوار و جنایتکار از صحنه عراق و سوریه و کل جهان حذف شود، همه مردم دنیا عمیقاً خوشحال خواهند شد و احساس امنیت

یک خبر داغ و نوید دهنده در این هفته خبر بیرون راندن داعش از شهر رمادی مرکز استان انبار در عراق بود. مقامات عراقی اعلام کردند که تمام نقاط کلیدی شهر رمادی از دست داعش خارج شده است. نخست وزیر عراق حیدر عبادی بدنبال این پیروزی گفت سال جدید

## یادداشت‌های هفته

امید تقوایی

\* توحش عربیانی که تمدن نامیده میشود!

\* منشا انحطاط جمهوری اسلامی است!

\* "قیام ملی" شعبان بی مخهای اسلامی!

صفحه ۶

## سرفصل جدیدی در اعتراضات کارگری

شهلا دانشفر

در مبارزات کارگری امروز، کشیده شدن دامنه آن به مراکز کلیدی و مجتمع های بزرگ کارگری چون مراکز وابسته به نفت و بخش های خدماتی که با جمعیت وسیع مردم سرو کار دارند، است. و این خود وزن سیاسی و اجتماعی بیشتری به این مبارزات داده است. این اعتراضات در عین حال با

صفحه ۳

اعتراضات تعرضی بودن آنها، تداوم و طولانی مدت بودنشان، اولتیماتوم دادن های کارگران به اعتراضات وسیع تر است و همه این اتفاقات در متن اوضاع پرجنب و جوش اعتراضی جامعه در جریان است. بطور مثال مقابل مجلس اسلامی به محل تجمعات هر روزه کارگران و مردم معترض تبدیل شده است. خصوصاً یک نقطه قابل توجه

اعتراضات کارگری در دو هفته اخیر نشانی از گستردگی و جنب و جوش بالای اعتراض در میان کارگران و شاید بهتر است بگویم سرفصلی جدید در مبارزات کارگری است. به جرات میتوان گفت که در این فاصله هزاران کارگر در اعتراض و مبارزه بوده و این اعتراضات هنوز هم ادامه دارد. از جمله خصوصیات مهم این

## صحبتی با کارگران معدن بافق

اصغر کریمی

صفحه ۲

## کارکنان آتش نشانی تهران خواهان اجرای فوری خواست های خود هستند

صفحه ۵

## کارگران اپراتورهای قوی برق در مقابل مجلس چادر زدند

صفحه ۷

## اعتراض و اعتصاب در تاسیسات پالایشگاه های عسلویه ادامه دارد

صفحه ۷

## برنامه ششم توسعه دولت و تدارک تهاجمی دیگر به کارگران

صفحه ۸

شهلا دانشفر

## لباس زیر زنان و برق گرفتگی رئیس جمهور سریلانکا

صفحه ۱۰

کیوان جاوید

ناصر اصغری در "گفتگوهای کارگری" میپرسد:

## جایگاه دستمزد در مبارزات کارگری\*

مصاحبه با علی جوادی

تولید کنندگان جامعه، کارگران، را در موقعیتی قرار داده است که ناچارند برای تامین معاش زندگی شان

صفحه ۴

علی جوادی: مساله ای را که شما به طنز به عنوان "عجیب" اشاره کردید یک واقعیت زمخت در جامعه سرمایه داری است. جامعه سرمایه داری اکثریت عظیم

ناصر اصغری: اجازه دهید از یک سؤال "عجیب" شروع کنم. جایگاه دستمزد برای کارگران چیست؟ میگویم "عجیب" چرا که از قرار بدون دستمزد در این دنیا نمیشود زندگی کرد.

## شکست داعش در رمادی و سرنوشت توحش اسلامی



این دولتها بوده است. و ترکیه و عربستان برای اینکه جمهوری اسلامی و نیروهای وابسته به آنرا مهار کنند و عقب برانند به امثال داعش متوسل شدند و به درجه ای هم بویژه در عراق موفق شدند. این ساده ترین بیان قدرتیایی داعش است. بنابراین داعش و شاخه هایش زمانی توسط دولتها از بین خواهند رفت که این دولتها به نحوی چپای خود را در منطقه محکم کرده باشند و توازن را به سود خود ببینند. و این لازمه اش عقب راندن و مهار بیشتر جمهوری اسلامی و باندهای وابسته به آن می باشد. اوضاع کنونی توازن جدید و تعریف شده و روشنی را میان این دولتها نشان نمیدهد. به همین دلیل

کمپ مقابل امثال القاعده و داعش را خلق کردند و با پول و اسلحه و حمایت های همه جانبه خاندان سعودی و دولت اردوغان و قطر به جان مردم انداختند. و همه میدانند که کل این اوضاع با سیاست های میلیتاریستی و نظم نوینی دولت آمریکا ایجاد شد. شکست امروز داعش در رمادی توسط همین نیروها دارد انجام میشود. و وقتی که همان دولتها و سیاست هایی که داعش را خلق کردند سر جای خود باقی هستند، منطقاً و تحلیلاً انسان نمیتواند زیاد احساس خوش بینی کند. پشت داعش از ابتدای یک تازیش در عراق و سوریه ترکیه و عربستان قرار داشته و دارند و دوام و بقای آن تاکنون اساساً به دلیل حمایت

میبجنگند نشان نداده اند که اگر بتوانند بجای داعش توحش دیگری را بر مردم حاکم خواهند کرد؟ و آیا بدون دخالت مستقیم و گسترده خود مردم عقب راندن این نیروها و بهبودی در اوضاع ممکن است؟

همه میدانیم که داعش ناگهانی از زیر زمین سبز نشد. همان شرایطی که امثال مالکی و همین جناب حیدر عبادی را به پست نخست وزیر عراق رساندند، و آدمکشان گمنامی مثل مقتدا صدر را به بازیکنان مهم صحنه سیاسی عراق تبدیل کردند تا بعنوان پادوهای خامنه ای و جمهوری نحس اسلامی جنایت کنند و دزدی و تروریسم را بنام مردم شیعه بر مردم عراق حاکم کنند، همان شرایط در

قومی در منطقه امید چندانی داشت. تردیدی نباید داشت که مردم اگر اراده کنند میتوانند دنیا را از کل این نیروها و دولتها و باندهای خونخوار خلاص کنند. اگر تغییر امید بخش و محسوسی در سال جاری در اوضاع و شرایط عراق ایجاد شده باشد شروع حرکت و خیزش وسیع و توده ای مردم ستم دیده عراق با شعار "نه شیعه نه سنی حکومت مدنی" است. این حرکتها در کنار کل جنبش مردمی و سکولاریستی و آزادیخواهانه در افغانستان و برخی دیگر کشورها، گرچه هنوز نسبتاً ناکافی بنظر میرسد اما کوه یخی است که آینده روشن تر و امیدبخش تری را نوید میدهد. آینده ای که در آن جایی برای امثال داعش و جمهوری اسلامی و دیگر دولتهای مرتجع و نیروهای متحجر و ضد انسانی وجود نخواهد داشت.

نابودی قطعی داعش در عراق و سوریه بسیار مورد تردید است. تصور من اینست که عمر دولت حیدر عبادی احتمالاً حتی زودتر از عمر داعش به پایان خواهد رسید. او به دلیل تضعیف موقعیت مالکی و جمهوری اسلامی به عنوان یک چهره متمایل به همان کمپ اما ملایم تر سر کار کشیده شد. اما اکنون با تضعیف بیشتر کمپ جمهوری اسلامی احتمالاً امثال عبادی باید جای خود را به چهره های مستقل تر یا بیشتر متمایل به عربستان و ترکیه بدهند. بهر رو کشاکش دولتها و باندهای تروریست و آدمکش شیعه و سنی و قبایل و نیروهای نظم نوینی در عراق و سوریه ادامه دارد و تا زمانی که مردم با انقلابات و شورشها و دخالتهای مستقیم خود قادر نشده اند این باندها و دولتها و نیروهای کثیف و ضد بشری را عقب برانند و تماماً جارو کنند، نمیتوان به بهبود اوضاع و برچیده شدن بساط کثیف انواع تروریسم و آدمکشان اسلامی و



## صحبتی با کارگران معدن بافق

سرمایه داران مفتخور است. مطمئن باشید همین که بو ببرند که جنب و جوشی در میان شما ایجاد شده است، جا خواهند زد و دادگاه را برگزار نمیکند. اما مهم این است که شما بخواهید که پرونده را مختومه اعلام کنند. بعلاوه سایر خواست های شما، افزایش دستمزد، طبقه بندی مشاغل و امنیت شغلی شما نیاز به اعتراض و اعتصاب مجدد شما دارد. تردیدی نداشته باشید که اگر تعرض نکنید به شما تعرض خواهند کرد. خود را برای دور دیگری از اعتراض آماده کنید، بطور سازمان یافته خبرسانی کنید، مردم شهر را همراه کنید و به هیچ مقامی از امام جمعه تا فرماندار و شورای اسلامی شهر و کسانی که تحت نام شما منافع خود را دنبال میکنند اتکا نکنید. ۵۰۰۰ نفر شما معنچیان و خانواده های شما و همشهریان زحمتکش شما قدرت کافی برای عقب راندن دشمنان قسم خورده تان دارید. حزب کمونیست کارگری و تلویزیون کانال جدید نیز با تمام قوا مثل همیشه شما در کنار شما هستند.

ورشکستگی است. اما بارش را روی دوش کارگران میشکند. برای نجات خود تعرضش را به سفره کارگران بیشتر میکند، کرور کرور بیکار میکند و قوانین ضد کارگری اش را باز هم به زیان شما تغییر میدهد. اما شما قادرید با اتکا به نقاط قوت خود جلو این تعرض را بگیرید، خواست هایتان را به کرسی بنشانید و از جمله وادارشان کنید پرونده همکاریتان را بدون هیچ قید و شرطی کاملاً مختومه اعلام کنند. ۲۶ دیماه را روی محاکمه همکاران شما اعلام کرده اند. شما هم ۲۶ دیماه را روز اعتصاب خود اعلام کنید و همراه با خانواده هایتان در مقابل دادگاه حاضر شوید و اگر قرار است رفقاییتان را محاکمه کنند بخواهید در حضور همه مردم محاکمه کنند. تا همگان بدانند که جرم همکاران شما چیست؟ محاکمه یازده نفر همکار شما محاکمه همه شما ۵۰۰۰ کارگر سنگ معدن بافق و در واقع محاکمه ۵۰۰۰ خانواده کارگری است. محاکمه کارگران معترض و حق طلب توسط حکومت

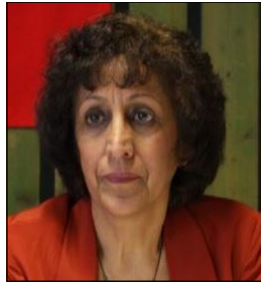
هایتان در میدان بودند و اکثر مردم شهر صمیمانه در کنار شما بودند. اما شورای اسلامی شهر و امام جمعه و کسانی بعنوان ریش سفید و معتمد و غیره، ابتکار عمل را در دست گرفتند و شما را خلع سلاح کردند. آنها دنبال تصاحب سود ۱۵ درصد سهام معدن بودند، روی این خواست خود پافشاری کردند و خواست های شما را حاشیه ای کردند. همکارانتان را از زندان بیرون آوردید اما عملی شدن خواست هایی که به خاطر آن دست به اعتصاب زده بودید را تضمین نکردید. شرط موفقیت شما امروز نیز اتکا بر قدرت خودتان، خانواده هایتان و مردم شهر است.

جمهوری اسلامی در گل گیر کرده است. اقتصادش در رکود و

بدهند. اما ضعف های مبارزه شما باعث شد که به خواست هایتان توجهی نشود و علیه همکارانتان پرونده سازی شود. همان موقع ما تاکید کردیم که مجمع عمومی تان را در طول روزهای اعتصاب مرتب تشکیل بدهید و تعداد زیادی نماینده برای پیگیری خواست های تان انتخاب کنید که خواست ها را پیگیری کنند و مرتب به شما گزارش بدهند. تاکید ما همچنین این بود که خبررسانی کنید، مردم شهر با شما هستند آنها را مدام در جریان بگذارید و فعالانه با آنها در تماس باشید تا پشتتان خالی نشود. شما در اوج مبارزه این توان را، علیرغم همه موانعی که در مقابلتان بود، داشتید. شما بر موانع ادامه اعتصاب غلبه کردید، خانواده

یک سال و نیم از اعتراض و اعتصاب طولانی مدت شما و تحصن خانواده های کارگران دستگیر شده بافق میگذرد. مقامات مختلف آمدند و رفتند، در اوج اعتراض تان خود را حامی شما نامیدند، اشک تمساح ریختند، قول های مختلف دادند اما هیچکدام عملی نشد. امنیت شغلی شما تامین نشد و دستمزدها افزایش نیافت اما در عوض برای یازده نفر از کارگران اعتصابی پرونده سازی کردند و ۲۶ دیماه قرار است آنها را در بیادگاهشان محاکمه کنند. شما اعتصاب پرقهرتی داشتید و همزمان تحصن خانواده ها قدرت اعتصاباتتان را دوچندان کرد. مجبورشان کردید کارگران زندانی را آزاد کنند و قول هایی برای تحقق خواست های شما

## سرفصل جدیدی در اعتراضات کارگری



ایستادن در مقابل تهاجمات رژیم به زندگی و معیشت کارگران، یک نه بزرگ به دولت روحانی و وعده و وعیدهایش و طرح های ریاضت اقتصادی آن تحت عنوانی چون بسته اقتصادی ۶ ماهه خروج از رکود، برنامه توسعه ششم و غیره است که کل حکومت را به چالش میکشد.

چنین فضایی از اعتراض و مبارزه، وزن و جایگاه سیاسی مهمی به جنبش کارگری در اوضاع سیاسی متحول امروز جامعه داده است. و اعتراضات کارگری بعنوان یک عرصه دائمی مبارزه در جامعه امروز بیش از هر وقت در تغییر توازن قوای جامعه به نفع مبارزات مردم و جلو آمدن کل جامعه با خواستهای فوری و سراسری اش، نقش دارد. این توازن قوا راهکارهای نوین و متنوعی را در دستور مبارزه ما قرار میدهد. این توازن قوا را باید دریافت. کافی است نگاهی به نمونه های برجسته این اعتراضات در روزهای اخیر داشته باشیم تا تصویر روشنتری از اتفاقی که در جریان است، بدست آورده و شناخت بیشتری از قدرت و جایگاه این مبارزات پیدا کنیم. نمونه های برجسته این اعتراضات عبارتند از:

- اعتراضات صدها کارگر اپراتورهای قوی برق به نمایندگی از ۵ هزار کارگر در دو روز متوالی این هفته در مقابل مجلس. در این اعتراضات کارگران با پلاکاردی که بر رویش نوشته بود که در صورت خلف وعده وزارت نیرو دست به قطع برق در سراسر کشور خواهند زد، اولیتاموم به اعتصاب سراسری دادند. و این نوید از در پیش بودن فضا برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری را میدهد. و تجمع صدها کارگر در این هفته در مقابل مجلس فضای دیگری به این منطقه داده بود.

- کارگران شرکت واحد با تاخیر چند روزه پرداخت دستمزدشان در چند سامانه تهران دست به اعتصاب و اعتراض زدند و مقامات مسئول سراسیمه ناگزیر به پرداخت فوری طلب کارگران شدند. چرا که آنان تجربه اعتصاب شکوهمند کارگران واحد در سال ۸۴ را دارند و هوا را پس دیدند.

- کارگران آتش نشانی به عنوان بخش دیگری از کارگران خدماتی که در تماس مستقیم با مردم هستند، اعتراضاتشان را از سر گرفتند و در اعتراض به شرایط سخت و مخاطره آمیز کارشان و بی حقوقی و بی تأمینی خود در مقابل مجلس تجمع کردند.

- هزاران کارگر در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی و فازهای مختلف آن، در منطقه ای که بدلیل موقعیت حساسی که دارد و وابستگی اش به صنعت نفت، آنرا ویژه نامیده اند، تا با قوانین و مقررات سخت گیرانه تری کنترل اوضاع را در دست داشته باشند. در منطقه ای که در آن به کرار حکم بر ممنوعیت اعتراض داده شده و کارگر را مورد تهدید و اعتراض قرار داده اند، دست از کار کشیده و علیه زورگویی های پیمانکاران سودجو ایستاده و حق و حقوقشان را میخواهند.

- تجمع اعتراضی جوانان جویای کار در شهرویی بهبهان که با حمله نیروهای سرکوب، روبرو شد و در نتیجه این یورش جنایتکارانه جوانی به اسم مرتضی فرج نیا جان باخت. همچنین جوانی به اسم ابراهیم شهرویی زخمی و عازم بیمارستان شیراز شد و سه جوان دیگر به اسامی افشین، محمود و داریوش راهی زندان شدند. اما در عکس العمل به این جنایت وحشیانه ۷۰۰۰ نفر از این منطقه و بهبهان و شهرهای اطرافش جمع شدند و یاد مرتضی فرج نیا را گرامیداشتند

و اعلام کردند که نخواهند گذاشت این موضوع فراموش شود و خواستار محاکمه قاتل مرتضی، معالجه ابراهیم شهرویی با استاندارد قابل قبول و آزادی فوری دستگیر شدگان گردیدند.

- نامه های اعتراضی علیه تهاجم جدید دولت تحت عنوان برنامه توسعه ششم دولت از جمله فراخوان اتحادیه آزاد کارگران ایران مبنی بر لغو تبصره های ۳۳ و ۲۴ این طرح که اساسا طرح بردگی کاری نوجوانان زیر ۲۹ سال و تعرض به زندگی و معیشت بازنشستگان است. و در همین رابطه کمیتهی اعتراضی از سوی کارگران صنایع فولاد اهواز اعلام شده و در جریان است.

این اتفاقات در کنار اعتراضات هر روزه کارگران در مراکز مختلف کارگری چون اعتراضات کارگران شهرداری پروجرد، کارگران پیمانی رجا، تجمعات اعتراضی کارگران اردل که در همین هفته شاهدش بوده ایم، فضای پر التهاب جنبش اعتراضی کارگران در ایران و کل جامعه را به نمایش میگذارد.

نگاهی به این تصویر همانطور که اشاره کردم وزن سنگین جنبش اعتراضی کارگری را در سیر تحولات سیاسی جامعه به روشنی نشان میدهد.

واقعیت اینست که یک وجه مهم مبارزه همه مردم دفاع از زندگی و معیشت خود و بهبود شرایط زندگی شان است. و در فضای پر جنب و جوش اعتراضی کارگری، امروز بیش از هر وقت زمان متحد شدن حول خواستهای سراسری چون افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری، درمان و تحصیل رایگان برای همگان و برخورداری مردم از تسهیلات لازم برای تأمین مسکن و مطالباتی از این دست است. در عین حال فضا فضای متحد

شدن و متشکل شدن است. فضا فضای به راه انداختن کارزارهای مبارزاتی در دفاع از زندگی و معیشتان است. و در این راستا حضور و شرکت فعال خانواده های کارگری در مبارزات جاری، همبستگی و پشتیبانی از مبارزات یکدیگر، اتکا بر مجامع عمومی برای متحد شدن و تشکیلیاتی توده ای و سراسری در محیط های کار و استفاده از ابزار مدیای اجتماعی چون تلگرام و شکل دادن به گروههای مبارزاتی خود در آنجا و از این طریق بردن وسع گفتمانهایمان به میان همه کارگران و کل جامعه، بیش از هر وقت اهمیت دارد و باید بر آنها پای فشرده.

برای نمونه به موضوع مهم شرکت فعال خانواده های کارگری در اعتراضات جاری توجه کنیم. اگر چه در این زمینه پیشروی های درخشانی را در جنبش کارگری شاهدیم، اما هنوز به تمامی این بخش از نیروی جنبش کارگری وارد عرصه نبرد نشده است. نمونه اش همین مبارزاتی است که در دو هفته اخیر اتفاق افتاده و ادامه دارد. که مهمترینش را جلوتر لیست کردم. جای خانواده های کارگری در این مبارزات خالی است و در صورت حضور آنان میشد تصور کرد که با چه اتفاق عظیم اجتماعی ای میتوانستیم روبرو باشیم. و این حضور ممکن و عملی است. نکته اینجاست که این موضوع باید از جمله اولویت های مهم رهبران و سازماندهندگان این مبارزات باشد.

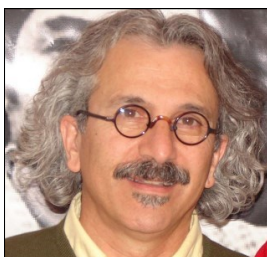
به موضوع همبستگی مبارزاتی اشاره کنم. بطور مثال جوانان جویای کار در شهرویی بهبهان به پا خاستند. وقتی این حرکت با یورش سرکوبگران رژیم روبرو شد، مردم این منطقه به حرکت در آمدند و هفت هزار نفر با گرامیداشت مرتضی فرج نیا که بدست سرکوبگران رژیم به قتل رسید، جمع شدند و اعتراضشان را اعلام کردند. قابل انتظار است که این همبستگی را از سوی همه تشکیلهای کارگری و بخش های مختلف جامعه شاهد باشیم. بعلاوه جوانان جویای کار در شهرویی با شعار ما کار میخواهیم دست به اعتراض زده

اند و این حرکت میتواند سرآغازی برای تکثیر این اعتراض در تمام شهرها علیه بیکاری و با شعار یا کار یا بیمه بیکاری باشد. و حمایت عملی خود را از مبارزات جوانان بیکار در شهرویی بدین شکل اعلام کنیم.

نکته مهم دیگر نقش کشیفی است که تشکیلهای دست ساز دولتی و رسانه هایشان بازی میکنند. از جمله سایت خبری ای چون ایلنا وابسته به دارو دسته خانه کارگر این تشکل دست ساز دولتی را همه می شناسیم. می بینیم که اخبار کارگری را میگوید و لابلای این اخبار همه تلاششان اینست که خط و سیاست دولت تدبیر و امیدشان را به گفتن های کارگران تبدیل کنند. و یک کارشان اینست که بطور خنده آوری چهره کارگران را در عکس های مربوط به اعتراضات کارگران محو میکنند. اسمش را هم "امنیت" میگذارند. در حالیکه کارگر علنا در مقابل چشم حراست و سرکوبگران رژیم اعتراضش را میکند و نسخه ای از همان عکس هایی که توسط خود این دارودسته ها گرفته میشود، در جریان همان نقش سه جانبه گرایی مسخره شان روی میز صاحبان کار گذاشته میشود. اما این کار را میکنند تا کارگر را از مبارزه علنی و اجتماعی اش، مبارزه ای که حمایت جامعه را بدنبال دارد، دور کنند. میکوشند اعتصاب را امری "غیرقانونی" و "جرم" تلقی کنند و با این کار فضای رعب را دامن زنند. مدیای اجتماعی و گروههای مبارزه در خطوط اپلی کیشن هایی چون تلگرام میتوانند ابزار مهمی برای خنثی کردن این دسیسه ها و عقب زدن آنان باشند. و خوشبختانه نقش مدیای اجتماعی، این ابزار مهم سازمانیابی را هر روز بیشتر در جنبش های اعتراضی کارگری و کل جامعه میبینیم.

و در آخر دیدن نقش تلویزیونی چون کانال جدید مهم است. یک نمونه جالب و اخیر از روی آوری به استفاده از این مدیای مهم اجتماعی، در جریان اعتراضات مردم در شهرویی





دستمزد با زندگی و تلاش هر  
روزه کارگر عجین شده است. با  
این مقوله عجین شده است که  
آیا کارگر و خانواده کارگر  
میتوانند یک زندگی انسانی  
داشته باشند؟ بمشابه انسان در  
جامعه قلمداد شوند و نه ابزار  
کار. آیا مسکن مناسب خواهند  
داشت؟ آیا از آموزش مناسب  
برخوردار خواهند شد؟ آیا از  
بهداشت و درمان مناسب  
برخوردار خواهند شد؟ تفریح و  
رفاه داشته باشند؟ یا اینکه نه؟  
فقط باید کار کنند و  
دستمزدشان تنها تامین کننده  
یک زندگی بخور و نمیر را  
بکند که نتوانند قوای جسمی  
خود برای کار ممتد را باز تولید  
کنند. دعوا بر سر دستمزد  
دعوایی بر سر این واقعیات  
است.

ناصر اصغری: شما به نکات  
جالبی در مورد سرمایه داری  
اشاره کردید، اما اجازه دهید به  
جمهوری اسلامی هم بپردازیم.  
میدانید که در برخی کشورهای  
سرمایه داری کارگران توانسته  
اند دستمزدهای نسبتاً بالاتری را  
به کارفریان و طبقه سرمایه دار  
تحمیل کنند. اما جمهوری  
اسلامی در عرض چند دهه  
گذشته همواره دستمزد کارگر را  
پایین نگهداشته است. سئوالم  
این است که چرا در جمهوری  
اسلامی دستمزد کارگر باید این  
قدر نازل و پایین باشد؟

علی جوادی: بنظم در پاسخ  
باید به دو فاکتور اصلی اشاره  
کرد. یک فاکتور این است که  
الگو و اساس سازماندهی  
اقتصاد سرمایه داری چه در  
جمهوری اسلامی و چه در  
دوران حکومت سلطنتی "کار  
ارزان" و اصطلاحاً "cheap  
labor" است. این الگوی

نیروی کارشان را به فروش برسانند و در قبالتش مزدی دریافت کنند. و اگر نیروی کارشان را به فروش نرسانند، مزدی هم دریافت نخواهند کرد و زندگی ای هم نخواهند داشت و به گوشه ای از جامعه پرتاب خواهند شد و جزئی از بی خانمان ها و بیکاران قلمداد خواهند شد. در حقیقت زندگی کارگر در این نظام گره خورده به اینکه بتواند برای صاحبان ابزار و وسایل تولید و مصرف مردم کار کند و معیشت زندگی خودش را از این راه تامین کند. و دستمزد آن مبلغی است که صاحبان وسایل تولید به کارگر در قبال خرید نیروی کارش پرداخت میکنند. نتیجتاً مساله دستمزد، میزان دستمزد، مکانیسم تعیین دستمزد، تا زمانیکه مناسبات ضد انسانی کار و سرمایه بر جامعه حاکم است، تا زمانیکه این اجبار وجود دارد و اکثریت عظیم جامعه ناچار به فروش نیروی کار خود هستند، یکی از مهمترین مشغله های زندگی و مبارزه کارگر است. دستمزد در این جامعه با کار و زندگی و تلاش و بعضاً خون و شکنجه و زندان و سرکوب همراه و عجین شده است.

میزان دستمزد کارگر یعنی اینکه کارگر چه سهمی از زندگی در این جامعه دارد؟ آیا انسان است یا صرفاً ابزاری برای کار و تولید است. آیا موجودی است که باید کار کند، برای سرمایه دار تولید سود کند، ولی خودش از مواهب تولید شده توسط خود و هم طبقه ای هایش اساساً محروم باشد. در مورد این مقولات حتماً بیشتر میشود بحث کرد. اما نفس

خودش مدام سرکوب میکند - اعدام میکند، سنگسار میکند، شکنجه و زندان و تحمیق میکند، دستگاههای مخوف کنترل جامعه را سازماندهی کرده و هزینه هنگفتی را همواره صرف ساکت نگهداشت و سرکوب جامعه میکند، در عین حال از ابزار دستمزد، تلاش برای پایین نگهداشتن دستمزد، بیکار نگهداشتن بخشی از جامعه، عدم پرداخت بموقع دستمزدها، استفاده میکند که کارگر توان اقتصادی لازم در یک مبارزه همه جانبه بر علیه جمهوری اسلامی را نداشته باشد و یا از توان کمتری برخوردار باشد. به این اعتبار پایین نگهداشتن دستمزد برای حکومت اسلامی علاوه بر چپاول دسترنج کارگر دارای معنای سیاسی معینی در بقاء این حکومت است.

ناصر اصغری: به نکات زیادی اشاره کردید. سئوالات متعددی میتواند مطرح شود. اما به نکته ای در عین حال تاکید کردید که سطح تکنولوژی بود. در اینجا این سؤال مطرح است که آیا کارگر باید اعتراض کند که بروید تکنولوژی بیاورید تا دستمزد ما بهتر شود؟

علی جوادی: بهیچوجه. باید مستقل از سطح تکنولوژی میزان یک دستمزد انسانی را به کارفرما تحمیل کرد. باید مناسبات سرمایه داری را دگرگون کرد. اشاره و توضیح من به ویژگی های دو الگوی اقتصادی سرمایه داری بود. ما در مبارزه برای افزایش دستمزد کارگر از یک الگوی اقتصادی سرمایه داری در مقابل الگوی دیگر دفاع نمیکنیم. ما سوسیالیستیم. مناسبات سرمایه داری را دون شان کارگر و انسان میدانیم. بعلاوه کارگر هیچ تعهدی به سرمایه دار نسپرده است که باید سود سرمایه دار در پروسه تولید همواره تامین و تضمین شده باشد. تلاش ما برای افزایش

مانند ایران، دستمزد پایین یک واقعیت خشن و زخم‌تاز است. اگر در این کشورها دستمزد معادل دستمزد کارگر فرانسه و انگلیس و کانادا و آمریکا به کارفرما در مبارزات کارگران تحمیل شود، ماحصلش ورشکستگی و بحران عظیم سرمایه داری خواهد بود. به این اعتبار ضروریات اقتصاد سرمایه داری در جوامعی مانند ایران ایجاب می‌کند که دستمزد همواره پایین نگهداشته شود و حکومتها مستقل از اینکه حکومت سلطنتی هستند یا اسلامی همواره تلاش می‌کنند که دستمزد کارگر پایین نگهداشته شود. این ویژگی عمومی سرمایه داری در این کشورها است.

اما زمانی‌که در باره جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم ما با یک حکومت سرمایه داری نسبتاً متعارف حال با الگوی اقتصاد کار ارزان، الزاماً مواجه نیستیم. در حقیقت با یک حکومت غیر متعارف مواجه هستیم. و معنای "غیر متعارف" در عین حال در این است که این حکومت برای بقاء ننگین خودش ناچار است همواره در مقابل مردمی که سرنگوش کند، کارگری که سهم خودش را از زندگی می‌خواهد، زن و جوانی که می‌خواهد برابر و آزاد و مرفه باشد، باید ایستادگی و مقابله کند. این حکومت غیر متعارف سرمایه داری است، دارای ویژگی‌ها و مختصات است که سرمایه داری دوران قرن بیست و یکم برایش الگوی مناسبی برای انباشت و سود آوری نیست. این حکومت غیر متعارفی است، چرا که همواره خطر سرنگونی‌اش بالای سرش است. این حکومت در عین حال از ابزار دستمزد برای پایین نگهداشتن توان مبارزاتی کارگر در جامعه استفاده می‌کند. اجازه دهید به این نکته اشاره مختصری بکنم. ببینید همانطور که جمهوری اسلامی برای بقاء

رژیم اعلام کردند. و کاری کردند که حتی مامور انتظامی رژیم که به اعتراف خودش در صف سرکوبگران حکومت در این اتفاق بوده، بیاید و حساب بس دهد. تلویزیون کانال جدید

های مستقیم تلویزیون کانال جدید را به تریبونی برای بلند کردن صدای اعتراض خود تبدیل کردند. از این طریق فراخوان به اعتراض دادند و کيفخواست خود را عليه جنابت

بدنبال سرکوب مبارزات جوانان  
جویای کار در این روستا بود.  
دیدیم که چگونه جوانان و مردم  
معترض در این منطقه به این  
تلاش‌ها روی آوردند. برنامه

بختک جمهوری اسلامی باشد.  
با این کانال که صدای حزب  
کمونیست کارگری ایران است  
تماس بگیرید و با این حزب  
فعالیت کنید.



برود، تورم بالا می‌رود، اراجیفی است که متخصصین و مبلغین سرمایه بر مبنای آن سعی میکنند که تلاش کارگر برای افزایش دستمزد را بی ثمر نشان دهند. مگر این ترها را زمانیکه کارفرمایان دستمزدهای خودشان را بالا می‌برند، ارائه می‌دهند؟ به ما مربوط نیست که سود سرمایه دار با افزایش دستمزد دچار نقصان می‌شود، به ما مربوط نیست که سرمایه داری دچار تورم می‌شود، ما سهامان را از زندگی می‌خواهیم. سهم ما از زندگی یک زندگی انسانی و نه یک زندگی بخور و نمیر است. بعلاوه چرا برای افزایش دستمزد باید مبارزه شود، چرا؟ چرا باید کارگر برای افزایش دستمزد مبارزه و تلاش کند؟ اعتصاب کند، اعتراض کند، و با هزار جور مخاطرات مواجه شود؟ اینها تاکیدی در مبارزه برای افزایش دستمزد است. رهبران کارگری باید با این نگرش به سراغ افزایش دستمزد بروند.

این گفتگو بر مبنای مصاحبه تلویزیونی تنظیم شده است.

روز کار بکنیم و اگر نوسانات بازار، بحرانهای سرمایه داری بوجود آید، بیکار شویم، به کناری انداخته شویم و زندگی و معیشتان دچار هزار و یک معضل شود. نتیجتاً زمانیکه کارگران سوسیالیست و رهبران کارگری توانسته باشند این افق را در جنبش کارگری جا بیندازند، نتیجتاً سطح توقعات بالا می‌رود، توقع از اینکه دستمزد چه باید باشد و چگونه باید تعیین شود هم کاملاً متفاوت می‌شود. و ضرورتاً همان امکانات رفاهی که وزرا و وکلا و سرمایه داران از آن برخوردارند، کارگر هم باید از آن برخوردار باشد. همان سطحی از آموزش که فرزندان آنها از بر خوردارند، فرزندان کارگران هم باید از آن برخوردار باشند. همان سطح رفاه هم باید شامل کارگران شود. نتیجتاً مبارزه بر سر دستمزد مبارزه ای بر سر توقعات هم هست. مبارزه ای بر سر جایگاه کارگر در جامعه است. کارگر چیز کمتر از این را نباید بپذیرد. کارگر انسان است. نیازمند یک زندگی انسانی است و به هیچ چیز کمتری نباید رضایت دهد. کارگر انسان است. مطالباتش هم باید بر مبنای این تصویر از طبقه و جایگاهش تعیین شود. مبنای دستمزد باید بر مبنای یک زندگی انسانی در جامعه معاصر امروز و با توجه به امکانات زندگی در سطح جهان تعیین شود.

آنچه گفتم نکاتی در مورد سطح دستمزد در جامعه است. مساله دیگر مکانیسم تغییر دستمزد است. دستمزد باید بطور اتوماتیک وار بر مبنای میزان تورم در جامعه تغییر کند. این استدالات که اگر دستمزد بالا

سرمایه پابرجاست، تا زمانیکه کارگر ناچار است نیروی کار خودش را بفروشد تا زندگی کند، و تا زمانیکه این مکانیسم پابرجاست، در اساسا بر همین پاشنه می‌چرخد. می‌شود دستمزد بالاتری را در پس یک مبارزه جانانه به رژیم و طبقه سرمایه دار تحمیل کرد، که باید کرد، اما تنها با تغییرات بنیادی و رادیکال در جامعه و سیستم اقتصادی حاضر هست که میتوان از شر این وضعیت برای همیشه خلاص شد. و کارگر نه مشابه کارگر بلکه بمشابه انسان و شهروند در جامعه، مانند تمامی شهروندان جامعه، در سوخت و ساز و فعالیتهای جامعه شرکت کند.

بعلاوه کارگر سوسیالیست باین توقع و استنباط را به جامعه بدهد که کارگر انسان است. کارگر هم انسان است و باید از تمامی مواهب این جامعه مانند همگان بهره مند شود. کارگر باید از تمامی امکانات جامعه در بالاترین سطح باید برخوردار باشد. این تصور که کارگر بخش محروم، بخش فقیر، بخش درمانده جامعه است، باید عمیقاً نقد و کنار زده شود. کارگر باید بخش پر توقع جامعه باشد. کارگری بخش خلاق جامعه، بخش تولید کننده نیازهای زندگی بشریت است. نیرویی است که چرخهای جامعه روی دوشش به حرکت در می آید. اگر کارگر کار نکند این جامعه از حرکت باز می ایستد. کارگر باید دارای چنین توقع و تصویری باشد. کارگر باید اعلام کند که ما انسانیم، ما موجوداتی نیستیم که فلسفه هستی مان این است که برای سود و انباشت سرمایه دار هشت ساعت، ده ساعت در

کنم. تکنولوژی و بکارگیری تکنولوژی پیشرفته در تولید و کار در عین حال که در یک جامعه انسانی کلید یک زندگی بهتر و مرفه تر است در جامعه سرمایه داری و بر مبنای مناسبات احکام، به معنای بیکار سازی و افزایش فشار بیشتر بر کارگر است. به معنای اخراج کارگران است. و این یک نشان دیگر وارونگی و ضد انسانی بودن مناسبات تولیدی در جامعه سرمایه داری است.

ناصر اصغری: ما در سال گذشته شاهد مبارزات متعدد کارگران برای افزایش دستمزد بودیم. در عین حال شاهد این بودیم که رژیم اسلامی همواره دستمزدی را به کارگران تحمیل کرده است که بنا به اذعان خودشان چندین مرتبه پایین خط فقر است. بعلاوه سطح افزایش دستمزد حتی از نرخ اعلام شده تورم در جامعه کمتر است. بنظر شما چه باید کرد؟

علی جوادی: ببینید بنظر من یک گرایش قوی در صفوف کارگران وجود دارد که تلاش میکند سطح توقع کارگر را از یک زندگی انسانی و شایسته انسان امروز پایین بیاورد و با امکانات رژیم اسلامی کم و بیش تطبیق دهد. این گرایش را باید عقب زد. این گرایش را باید نقد کرد. نباید اجازه داد که این گرایش افق کارگر را در مبارزه اش محدود و کوچک کند. خطاب من در این رابطه به کارگران رادیکال و سوسیالیست چیزی بیشتر از آنچه که خودشان میدانند و عمل میکنند نیست، فقط تاکید مجدد در این ارتباط است. ببینید مادام که نظام

دستمزد در عین حال در راستای تلاش ما برای از بین کُل مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری است که اقتصاد این جامعه بر مبنای آن سازمان داده شده است. ما تلاش میکنیم، کارگر تلاش میکند که دستمزد خودش را افزایش دهد، شرایط زندگی خودش را بهبود ببخشد، ولی هیچ تضمینی نداده ایم که در این پروسه الزاماً سرمایه دار هم باید سود ببرد. ببینید اگر در این پروسه سرمایه دچار بحران شود، برای ما به این معنی است که برای تامین زندگی مرفه و انسانی برای کارگر باید بساط سرمایه داری را جمع کرد و نظام اقتصادی دیگری را که در آن اثری از استثمار و اجبار به فروش کار مزدی نباشد، سازمان دهیم. نظام اقتصادی که هدفش نه تولید سود برای سرمایه دار، بلکه رفع نیازمندیهای زندگی همگان، تمامی احاد جامعه، باشد و هر کس در این جامعه به اندازه توانش، به اندازه خلاقیتش، به اندازه ابتکارش برای رفع نیازمندیهای جامعه بکوشد و به اندازه احتیاجش از محصولات و مواهب تولید شده در جامعه برخوردار باشد. مسلماً نیروهایی که خواهان حفظ مناسبات کثیف سرمایه داری هستند، شاید افزایش دستمزد کارگر به یک سطح انسانی را به چنین عواملی گره بزنند. اما برای ما مبارزه برای افزایش دستمزد، علاوه بر اهداف بلاواسطه آن در عین حال مبارزه ای برای نابودی کُل این مناسبات هم هست.

اما تا آنجا که به تکنولوژی برمیگردد، اجازه دهید به این نکته هم اشاره

## کارکنان آتش نشانی تهران خواهان اجرای فوری خواست های خود هستند

سازمان آتش نشانی، کارکنان معترض را تحت فشار قرار داده است. کارگران راهی جز تشدید مبارزه برای خواست های خود و جلوگیری از فشار به نمایندگان خود ندارند.

کارمندان اداری در مورد آتش نشانان عملیاتی نیز اجرایی شود. اما درمورد اجرای آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور هیچ قولی به کارگران داده نشده است. آتش نشانان همچنین از کاهش ساعات شیفت کاری و تنزل مزایای شغلی خود خبر میدهند.

خواهان اجرای فوری خواست های خود میباشند. مدیران آتش نشانی وعده داده اند که از ابتدای سال آینده مزایای

اجرایی نشدن آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور، همچنان به مطالبات آنها بی توجهی شده و کارگران

کارگران آتش نشانی تهران میگویند: «علیرغم گذشت دو هفته از اعتراض آنها به شرایط شغلی نامناسب و

## منشا انحطاط جمهوری اسلامی است!

دزدی کار هر روزه آیت الله های میلیاردر و آقازاده ها و شرکا و پادوهای باندهای مافیائی حاکم است، تن فروشی و تجاوز به کودکان تحت عنوان صیغه و ازدواج شرعی امری قانونی است و فساد و انحطاط و تاجر و عقب ماندگی مضمون ثابت اخلاقیات مذهبی ای است که از منبرهای نماز جمعه و صدا و سیمای حکومتی و سخنرانیهها و اظهار نظرهای مقامات بیست و چهار ساعته به خورد جامعه داده میشود. آنچه منحط و فاسد است فرهنگ حکومت است و نه فرهنگ مردم. راه مقابله با این انحطاط نیز مبارزه فرهنگی نیست مبارزه سیاسی برای بزرگ کشیدن حکومت منحط جمهوری اسلامی است.

"جامعه ایران دچار انحطاط اخلاقی شده است." وزیر ارشاد جمهوری اسلامی

جناب وزیر از "آمار تکاندنده طلاق، دروغگویی، خیانت در امانت، نداشتن تعهد اخلاقی" و "جعل و تحریف و دروغ در روزنامه ها" و "سرقه و آسیبهای نظیر اعتیاد و فساد اخلاقی" بعنوان مصادیق انحطاط اخلاقی در ایران نام میرد و برای "جلوگیری از سقوط اخلاقی جامعه" تقویت فرهنگ را توصیه میکند. اما مساله انحطاط اخلاقی در ایران امر فرهنگی نیست، امری سیاسی - حکومتی است. جعل و تحریف و دروغ اساس کار رادیو تلویزیون دولتی و روزنامه ها و سایتهای حکومتی و جناحی است. سرقه و چپاول و

## یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

### توحش عریانی که تمدن نامیده میشود!

"مسلمانان با همت خود تمدن نوین اسلامی را برپا کنند." خامنه ای

تمدن نوین اسلامی؟! نمونه این "تمدن" را مردم ایران بیش از سه دهه است تجربه میکنند. گرانی و بیکاری و فقر، اعدامهای جمعی و قتل‌های زنجیره ای و قصاص و سنگسار و تعزیر و شلاق و قطع دست و پا، آپارتاید جنسی و بی حقوقی مطلق زنان، فساد و چپاول و دزدیهای میلیاردری، و ممنوعیت شادی و رقص و موسیقی و فرهنگ و هنر مدرن و امروزی از مظاهر این "تمدن نوین" است. "تمدن اسلامی" عین توحش است. توحش هزار و چهارصد ساله ای که در سرمایه داری بحرانیته معاصر بجلو رانده شده و فرصت و زمینه عرض اندام پیدا کرده است. یک نمونه این توحش، جمهوری اسلامی است و نمونه های دیگرش داعش و بوکوحرام و الشباب و النصرة و طالبان و کلیه نیروهای اسلامی که افسار گسیخته و بجان مردم افتاده اند.

سرمایه داری بحرانیته معاصر در غرب و در و در منطقه به این توحش قرون وسطائی نیازمند است. بورژوازی غرب خمینی و جمهوری اسلامی را در مقابل با انقلاب ۵۷ بجلو راند و طالبان را در مقابل شوروی و امروز هم داعش بر زمینه شرایطی که سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش در خاورمیانه ایجاد کرده است و در بلوکبندیهای منطقه ای بین ترکیه- عربستان- امارات از یکسو و جمهوری اسلامی- اسد- روسیه از سوی دیگر سر بلند کرده و معنی واقعی "تمدن اسلامی" را به همگان نشان داده است.

آنچه به امثال خامنه ای اجازه میدهد تا این توحش را تمدن قلمداد کنند نظریه ارتجاعی نسبیت فرهنگی و نفی فرهنگ و تمدن و ارزشهای جهانشمول انسانی است. تمدن - آزادی و رفاه و برابری و انسانیت - بنا به تعریف و ماهیت خود برای همه ساکنین کره ارض یکسان است و نمیتواند به مذاهب و قومیتها و ملیتها و نژادها تقسیم بشود. تمدن اسلامی همانقدر بی معنی و

یک تناقض در خود است که تمدن قومی و ملی و نژادی و تمدن یهودی و مسیحی و آریائی و شرقی و غربی. نسبیت فرهنگی و مالتی کالچرالیسم با نفی این جوهر واحد و جهانشمول انسانی تمدن به ارتجاع کامل میرسد و در را چهار طاق برای عرضه عقب مانده ترین قوانین و اخلاقیات و مقدسات قرون وسطائی تحت عنوان تمدن اسلامی باز میگذازد. اسلام سیاسی چه نوع داعشی اش و چه نوع خمینی - خامنه ای اش، از لحاظ نظری در قرآن و حدیث و احکام و قوانین شرعی ریشه دارد اما آنچه باعث میشود تا این توحش عریانی را تمدن قلمداد کنند دکترین ارتجاعی پست مدرنیسم و مالتی کالچرالیسم و نسبیت فرهنگی است. توجیه امروزی "تمدن اسلامی"، همانچنانکه توجیه نظری حکومت اسلامی و ولایت فقیه نوع خمینی و خلافت اسلامی نوع البغدادی، بدون پست مدرنیسم ممکن نبود. زمانی این پست مدرنیسم منشأ نظریاتی نظیر غریزگی آل احمد بود و امروز مبنای تمدن نمائی توحش اسلامی امثال خامنه ای و البغدادی است. (امثال روحانی و خاتمی هم همین ساز را میزنند با این تفاوت که خواستار گفتگوی تمدنها هستند و نه مقابله آنها).

باید با پرچم سکولاریسم، آتیه نیسم و دفاع از مدنیت و تمدن واحد انسانی به مقابله با توحش اسلامی برخاست. راه این مبارزه را فی الحال جنبش سکولاریستی مردم عراق و افغانستان و جنبش چارلی ابدو در فرانسه و مبارزه پیگیر زنان و جوانان و توده مردم ایران علیه حکومت و قوانین اسلامی به همه نشان داده است. این مبارزه ای است علیه نیروها و دولتهای اسلامی، علیه اسلام پناهی دولتهای غربی و علیه مشروعیت بخشی پست مدرنیستی به اسلامیسیم و توحش اسلامی. خامنه ای از مسلمانان میخواهد "به همت خود تمدن اسلامی را بر پا دارند!" مردم عراق فی الحال به همت خود و با شعار "نه شیعه، نه سنی، زنده باد جامعه مدنی" جواب درخوری به اراجیف خامنه ای داده اند.

## "قیام ملی" شعبان بی مخهای اسلامی!

سرنگون شده بود. مظهر و نماد خواست و اراده سیاسی مردم ایران ۶ دیماه و شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه است و نه روز ۹ دیماه. ۹ دیماه همان نقش را ایفا کرد که ۲۸ مرداد ۳۲ برای نظام شاهنشاهی ایفا کرد. در آن روز هم گله های اوباش و شعبان بی مخ های طرفدار شاه به خیابانها ریختند تا از سقوط نظام یعنی دقیقاً نقشی که اوباش حزب الله در دفاع از خامنه ای در ۹ دیماه ۸۸ ایفا کردند. شاه ۲۸ مرداد را روز قیام ملی می نامید و روحانی ۹ دیماه را روز دفاع ملت از ولایت فقیه مینامد. ۹ دیماه ۲۸ مرداد جمهوری اسلامی است. ۲۱ بهمن جمهوری اسلامی نیز بزودی فرا خواهد رسید.

"۹ دی، روز دفاع ملت ایران از خاندان رسالت و اهل بیت، دفاع از نظام، قانون و دفاع از ولایت فقیه و ولی فقیه بود." حسن روحانی

این سخنان را روحانی در مورد تظاهرات اوباش اسلامی در ۹ دیماه سال ۸۸ ابراز داشته است. اما آنچه در ۹ دیماه اتفاق افتاد ربطی به مردم ایران نداشت. در آن روز گله های اوباش اسلامی به خیابانها ریختند تا از سرنگونی نظامشان جلوگیری کنند. سه روز قبل در ۶ دیماه صدها هزار نفر از مردم تهران با شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه به خیابان آمده بودند و جمهوری اسلامی را به لوزه مرگ انداخته بودند. تظاهرات قدرتمند و رادیکالی که بقول فرمانده فرمانده نیروهای انتظامی اگر در شش محله تهران به هم می پیوست جمهوری اسلامی

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.newchannel.tv

www.anternasional.com

سایت حزب:

سایت روزنه:

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال:

## اعتراض و اعتصاب در تاسیسات پالایشگاه های عسلویه ادامه دارد کارگران یک ماه حقوق خود را از حلقوم کارفرمایان بیرون کشیدند

طبق خبری که به حزب رسیده است، صبح امروز پنجشنبه کارگران پیمانکاری کوراوند از فاز ۲۰ و ۲۱ در عسلویه درب کمپ بهارستان اوئیک را از صبح زود بستند و اجازه ندادند که ماشین آلات وارد محل کار شوند. بلافاصله مزدوران حراست وارد عمل شدند اما موفق نشدند موانعی را که کارگران ایجاد کرده بودند از بین ببرند. مرادی رئیس حراست که تلاش میکرد با وعده های دروغین کارگران را سر کار بفرستد با فریاد خشمگین کارگران مواجه شد و کاری از پیش نبرد.

پیمانکار که با تصمیم راسخ کارگران مواجه شد حقوق مهرماه کارگران را به حسابشان واریز کرد و کارگران درها را باز کردند. کارگران اعلام کردند که چنانچه در عرض مدت کوتاهی حقوق آبان و آذر آنها به حسابشان واریز نشود اعتصاب را از سر میگیرند.

روز چهارشنبه ۹ دیماه نیز کارگران شرکت های البرز نوین و پیمانکاری کوراوند درب شرکت های oieid و oiee را در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق بسته بودند و وارد اطاق مدیر عامل شرکت oiee شدند و بساط او را به هم ریختند، ژنراتورها را خاموش کردند، پلاستیک های زباله را بر سر راه اصلی قرار دادند و راهها را مسدود کردند.

لازم به توضیح است که کارگران فازهای ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۴ در عسلویه از چند هفته قبل در اعتصاب و اعتراض به سر میبرند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ دیماه ۱۳۹۴، ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵



## کارگران اپراتورهای قوی برق در مقابل مجلس چادر زدند

به گزارش یکی از فعالین حزب از تهران، بعد از دو روز تجمع صدها نفر از اپراتورهای برق در مقابل سازمان مدیریت و مجلس، کارگران چندین چادر در مقابل مجلس برپا کردند و تهدید کردند که در صورتی که به خواست آنها رسیدگی نشود دست به خاموشی برق در اسفندماه در سراسر کشور خواهند زد. کارگران در پلاکاردهای خود نیز به صراحت اعلام کرده اند که در صورت خلف وعده وزارت نیرو دست به قطع برق در سراسر کشور خواهند زد. این کارگران که به نمایندگی از طرف ۵۰۰۰ اپراتور برق از سراسر کشور به تهران آمده اند خواهان استخدام رسمی فوری در شرکتهای برق منطقه ای هستند.

تعدادی از نمایندگان مجلس از ترس عملی شدن تهدید کارگران، در ملاقاتی با کارگران باز هم وعده دادند که امضا جمع میکنند و خواست کارگران را در صحن مجلس مطرح میکنند. اما کارگران بخوبی میدانند که هدف نمایندگان مجلس سردواندن کارگران و وقت خریدن برای حکومت است. درست در دیماه سال قبل نیز بدنبال تجمع کارگران در تهران، هفتاد نماینده مجلس در نامه ای به وزارت نیرو خواهان رسیدگی به خواست کارگران شده بودند. اما کارگران بدنبال عملی نشدن این وعده ها، حداقل سه بار دیگر دست به تجمع زدند. آخرین تجمع اعتراضی کارگران در اواخر فروردین امسال در مقابل دفتر روحانی بود. این اعتراضات به جایی نرسید. کارگران این بار تهدید به اعتصاب سراسری و قطع برق در سراسر کشور کرده اند.

اعتراض هزاران کارگر اپراتور برق یک اعتصاب مهم است و جا دارد که از جانب کارگران و مردم در سراسر کشور مورد حمایت قرار گیرد. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست و مبارزه کارگران برق حمایت میکند و از آنها میخواهد خانواده های خود را نیز برای تقویت مبارزه خود به میدان بیاورند.

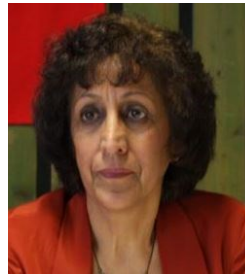
حزب کمونیست کارگری ایران

۸ دیماه ۱۳۹۴، ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵





## برنامه ششم توسعه دولت و تدارک تهاجمی دیگر به کارگران



دولت طی بندهایی در تبصره های ۳۳ و ۲۴ لایحه برنامه توسعه ششم خود نیروی میلیونی جوانان زیر ۲۹ سال را که وارد بازار کار میشوند و بازنشستگان را هدف مستقیم تهاجم خود قرار داده است. این لایحه بطور واقعی زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه را مورد حمله قرار داده است.

هدف این لایحه تحقق سیاست اقتصاد مقاومتی خامنه ای و در واقع تهاجمی در ادامه تشدید سیاست ریاضت اقتصادی بر گرده کارگران و کل جامعه است. هدف آن بنا به گفته خودشان ایجاد مشوقه برای سرمایه گذاری های داخلی و خارجی است. این تهاجم درعین حال در شرایطی صورت میگیرد که اقتصادشان به گل نشسته است و هوار همه شان از رکود اقتصادی و خطر تبدیل آن به بحران و پی آمدهای اجتماعی اش بلند شده است و کارشان به جایی رسیده است که برنامه شش ماهه خروج از بحران را داده اند و هر روز با طرحهایی اینچنینی تلاش دارند، برای خود مغری پیدا کنند. با هم نگاه مختصری به موضوع تبصره های ۲۴ و ۳۳ لایحه برنامه ششم توسعه دولت که امروز به موضوع اعتراض کارگران تبدیل شده است، بیندازیم.

تبصره ۳۳ و تعرض به نیروی جوان زیر ۲۹ سال تبصره ۳۳ برنامه توسعه ششم، شامل بندهایی از برنامه توسعه دولت حامی سرمایه داران و قانونیت دادن بیشتر به بردگی کارگران است. این تبصره، طرح به حراج گذاشتن قیمت نیروی کار میلیونی کارگران بیکار جوان است. این طرح تحت عنوان "ترغیب کارفرمایان به جذب نیروی کار جوانان و کاهش هزینه نیروی کار بنگاههای اقتصادی" وقیحانه

از به کارگیری نیروی جوانان زیر ۲۹ سال با کاهش ۲۵ درصدی مزد و قیمت نیروی کار آنها از سطح همان حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر سخن میگوید. در بندهای تبصره ۳۳ برنامه توسعه ششم چنین آمده است:

۱- "مستثنی نمودن از شمول قوانین کار و تامین اجتماعی برای دانشگاہی آموختگان دانشگاہی گروههای سنی زیر ۲۹ سال در اجرای طرح کارورزی (آموزشهای تخصصی بدو ورود به کار و طی دورههای آموزش عالی در کارگاههای خصوصی و تعاون) حداکثر تا دو سال برای هر یک از کارورزان.

۲- تعیین حداقل مزد برای کارگران جدید گروههای سنی زیر ۲۹ سال (که قبلاً سابقه بیمه تامین اجتماعی نداشته باشند) و مشمولین طرح اشتغال عمومی (اجرای پروژههای عام‌المنفعه در زمینه زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی و مدیریت محیط زیست و با مشارکت جوامع محلی) به میزان ۷۵ درصد حداقل مزد تعیین شده مصوبه شورای عالی کار حداکثر تا دو سال با هدف انگیزه بیشتر برای بکارگیری نیروی کار جدید." بنا بر این تبصره دستمزد نیروی جوان زیر ۲۹ سال تحت عنوان نیروهای دانش آموخته که وارد بازار کار میشوند قرار است برای مدت دو سال ۷۵ درصد میزان حداقل دستمزدی باشد که شورای عالی کار تعیین میکند. حداقل دستمزد نیز همواره رقمی چند برابر زیر خط فقر است. بدین ترتیب در پرتو وجود بیکاری وسیع میلیونی که بارها حکومت از آن تحت عنوان سونامی بیکاری و بحران بیکاری جوانان نام برده است، بر نیروی جوانان بیکار چوب حراج زده و با بکارگیری نیروی ارزان کار آنان حمله

ای وسیع به کل کارگران را در دستور دارند.

تبصره مورد بحث دیگر در برنامه توسعه ششم دولت، تبصره ۲۴ است که تعرض به زندگی و معیشت بازنشستگان است. جالب است این جانیان اموال صندوق بازنشستگی را به سرقت برده اند. سعید مرتضوی و همدست او بابک زنجانی میلیاردها پول که متعلق به کارگران است، از این صندوق به جیب زده اند، کارگران بازنشسته شاکیان خصوصی اموال این صندوق هستند، و جانیکار کثیفی چون مرتضوی از دادگاه قضایی حکومت دزدان حکم برائت میگیرد، آنگاه این وسط کارگران بازنشسته هستند که باید خسارت خالی شدن صندوق بازنشستگی را بدهند. و با بیشمرمی تمام هدف از اجرای این تبصره را "جلوگیری از بروز بحران و کنترل و کاهش مشکلات صندوقهای بازنشستگی و تامین اجتماعی" اعلام کرده اند. از جمله موارد مهم مورد اعتراض کارگران در این تبصره به قرار زیر است:

- افزایش سالانه ۶ ماه به سن بازنشستگی و سنوات بازنشستگی یکی از بندهای تبصره ۲۴ برنامه توسعه ششم دولت است و در حال حاضر سن بازنشستگی ۶۰ سال با ۲۰ سال سابقه است. خصوصاً اینکه افزوده شدن ۶ ماه به سنوات خدمت بعنوان شرایط بازنشستگی با توجه به گستردگی کارهای قراردادی و عدم پرداخت منظم حق بیمه کارگران به صندوق بازنشستگی، مشکلات کارگران برای کسب شرایط بازنشستگی بیشتر خواهد شد. این در حالیست که تا سال ۱۳۷۶ کارگران میتوانستند با ده سال سابقه کار بازنشسته شوند و با تغییر آن به ۲۰ سال

و پرداخت نشده حق بیمه کارگران به صندوق بازنشستگی مشکلات بسیاری برای کارگران برای بازنشستگی بوجود آمد. طبقاً این مشکلات بر سر بازنشسته شدن زنان کارگر نیز وجود خواهد داشت و بر اساس مندرجات این تبصره و بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه و ۴۲ سال سن برای آنان، یعنی در شرایط بازنشستگی عادی با ۵۰ سال سن و ۳۰ سال سابقه، در مجموع ۳۰ ماه در طول برنامه ۵ ساله ششم به آنها اضافه خواهد شد.

بند دیگر تبصره ۲۴ در مورد بازنشستگان، افزایش شرط ۵ سال سابقه بیشتر کاری برای بازنشستگی کارگران در مشاغل سخت و زیان آور است. تصویب این بند فشار سنگینی برای کارگران شاغل در این مشاغل که بخاطر ناایمنی محیط کار همواره در معرض فرسودگی بیشتری قرار دارند، است.

بعلاو اینکه در این مواد گفته شده است که از تاریخ تصویب آن، بازنشستگی پیش از موعد نیز ممنوع خواهد بود.

در تبصره ۲۴ برنامه توسعه ششم دولت جدا از افزایش سن بازنشستگی، مستمری آنان نیز کاهش می یابد. بر اساس این طرح تعیین میزان حقوق بازنشستگی براساس میانگین حقوق ۵ سال آخر خدمت تعیین خواهد شد. در گذشته میزان حقوق بازنشستگی براساس میانگین دو سال آخر خدمت محاسبه می شد. و بالاخره اینکه ماده دیگر تبصره ۲۴ بر این تاکید دارد که تمامی مشترکین صندوقهای بازنشستگی و تامین اجتماعی مجازند فقط از یک حقوق بازنشستگی و یا مستمری به انتخاب خود برخوردار شوند. به طوریکه حتی کارشناسان حکومتی نیز این ماده را ظالمانه خوانده اند. بر اساس این ماده فرضاً زنی که شاغل است و تحت پوشش بازنشستگی کشوری است و همسرش تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دارد، در صورت فوت همسر تنها می تواند از یکی از این سازمان

ها مستمری دریافت کند و این وسط حاصل سالها کار و تلاش همسر وی به جیب دولت میرود. تبصره ۲۴ حتی اتخاذ هرگونه تصمیم گیری در حوزه بازنشستگی بیمه های اجتماعی و درمانی را منوط به پیشبینی بار مالی طرحها و لوایح مربوط آن کرده و عملاً به محرومیت کارگران از بیمه های اجتماعی چون بیمه درمانی رسمیت بیشتری میدهد.

بدین ترتیب تعیین حقوق بازنشستگی به میزان میانگین ۵ سال آخر خدمت کارگران، ممنوعیت بازنشستگی پیش از موعد، افزایش سن بازنشستگی، و افزایش ۵ سال سابقه کاری به شرایط بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور از جمله بندهای مورد اعتراض کارگران در برنامه توسعه ششم دولت است که آشکارا تعرض به زندگی و معیشت این بخش از کارگران است. در مقابل این طرحهایی آشکارا ضد کارگری زمزمه های اعتراض در میان کارگران بلند شده است. در زیر به این اعتراضات و ابعاد اجتماعی آنها می پردازم.

خواست کارگران لغو فوری تبصره های برنامه توسعه ششم دولت است اتحادیه آزاد کارگران ایران طی بیانیه ای با خواست افزایش حداقل دستمزدها به رقم بالای خط فقر یعنی سه میلیون و پانصد هزار، بر لغو تبصره های برنامه توسعه ششم دولت تاکید کرده است. و این بار نیز اتحادیه آزاد با هوشیاری کامل پرچمدار خواست کل جامعه شده و ضمن ایستادن در مقابل این تهاجمات، کارگران را به مبارزه ای متحد و سراسری فراخوانده است. باید وسیعاً به این فراخوان پاسخ داد.

ماده ۱ تبصره ۳۳ برنامه توسعه ششم دولت مربوط به تعیین دستمزد نیروی جوان زیر ۲۹ سال به میزان ۷۵ درصد کمتر از میزان حداقل دستمزدها، تأکیدی بر نقش این صف میلیونی کارگران بیکار جوان در مبارزه بر سر

هایشان و برای افزایش سطح دریافتی های خود دست به تجمع و اعتراض زده اند و یک خواست مهم آنان بیمه درمانی است. پیش کشیده شدن برنامه توسعه ششم دولت فرصتی مناسب برای اتحادی سراسری حول خواستهای برحق کارگران بازنشسته است. با اعتراضاتی متحد و سراسری تبصره های ضد کارگری برنامه توسعه ششم دولت را کنار زنیم. بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد رسمی، به همه افراد بالای ۵۵ سال که فاقد حقوق بازنشستگی هستند، بدون هیچ قید و شرطی باید تعلق گیرد و همانطور که معلمان، و کارگران در مبارزاتشان اعلام کرده اند، در شرایط کنونی میزان آن نباید از خط فقر یعنی سه میلیون و پانصد هزار تومان کمتر باشد. بازنشستگان نیز یکی از نیروهای مهم مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها هستند.

سن بازنشستگی نیز باید برای زنان و مردان به ۵۵ سال تقلیل یابد. و در کارهای سخت و زیان آور کارگران با سابقه کار کمتری امکان برخورداری از بازنشستگی را داشته باشند. و حقوق بازنشستگی معادل بالاترین حقوق دریافتی در دوره اشتغال کارگران باشد و سطح آن متناسب با افزایش سطح دستمزدها هر ساله ترمیم گردد. کارگران بازنشسته باید از یک زندگی شایسته انسان برخوردار باشند.

و دارد شکل میگیرد. از جمله از سوی کارگران فولاد خوزستان کمپینی اعتراضی علیه این تعرضات و بازنگری در قوانین بازنشستگی برپا شده است و زمزمه گسترش این کارزار به دیگر مراکز کارگری در جنوب و در شهرهای دیگر وجود دارد. در بخشی از نامه اعتراضی مربوط به این کارزار چنین آمده است:

"کارگران معلمان پرستاران و مزد بگیران ... با توجه به برنامه توسعه ششم، دولت اعتدال و امید در نظر دارد که در قوانین بازنشستگی بازنگری کرده و برخی از مزایای بازنشستگی را از شمول حقوقی ما کارگران و دیگر اقشار مزد بگیر را تعدیل کند، و این درحالی است که ما هم اکنون با همین حقوق اقتصاد خانواده را با مشقت فراوان می توانیم در هر ماه به پایان برسانیم .

در این نامه ضمن اعتراض به تغییرات پیشنهادی لایحه برنامه توسعه ششم در قانون بازنشستگی جمهوری اسلامی، کارگران خواهان کنار گذاشته شدن این طرحها شده و مینویسند: "ما اقشار حقوق بگیر اعتراض خود را به دولت یازدهم اعلام میداریم و خواهان این هستیم که نه تنها از این لایحه صرف نظر کرده، بلکه در جهت رقم زدن یک زندگی انسانی برای اقشار مزد بگیر اعم از کارگر، کارمند، معلم، پرستار و دیگر کوشندگان عرصه ی خدمت و صنعت، کوشا باشد."

بازنشستگان یک بخش معترض جامعه هستند. بارها و بارها برای نقد کردن طلب

کارگر نیز به عنوان یک جانب سه جانبه گرایی مسخره تعیین حداقل دستمزد کارگران در شورای عالی کار یک پای این رایزنی ها هستند. بدین ترتیب مشتی میلیاردی و شکم سیر تحت عنوان شورای عالی کار جمع شده و میخواهند بر نرخ فروش نیروی کار کارگران چوب حراج بزنند. نکته اینجاست که امسال حتی تمرکز بحثشان بر روی خط فقر نیست، بلکه همه تکیه شان بر رکود اقتصادی دولت و طرحهای خروج از بحران است.

خارج کردن نیروی جوان زیر ۲۹ سال از دایره شمول قانون کار برای دو سال و تصویب پرداخت ۲۵ درصد دستمزد کمتر از میزان حداقل دستمزدها به آنان را باید در پرتو این اوضاع دید و خود مقدمه تهاجم وسیعتر به کل کارگران است. پاسخ همانطور که اتحادیه آزاد کارگران نیز اعلام کرده است، مبارزه متحد و سراسری علیه این تهاجمات و طرحهایی از این دست و گسترش مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدها، صف خودمان را برای چنین مبارزه ای آماده کنیم.

اعتراض کارگران بازنشسته در مقابل تعرضات دولت با لایحه برنامه توسعه ششم

تبصره ۲۴ برنامه توسعه ششم دولت تعرض به معیشت کارگران بازنشسته است و تبعات اجتماعی آن دامنگیر هزاران کارگر در آستانه بازنشستگی و خانواده هایشان خواهد شد. در مقابل این تعرضات جنب و جوش های اعتراضی در میان این کارگران دارد در جریان است

قرار دارند، یک نیروی مهم در اعتراض بر سر خواست افزایش دستمزدها و عقب زدن این تعرضات هستند. به عبارت روشنتر میزان حداقل دستمزد مساله همه بخش های کارگری و کل جامعه است. جدا از تبصره های برنامه توسعه ششم، همین امروز بحث بر سر میزان حداقل دستمزدها نیز داغ است و بدون شک طرح شش ماهه خروج از بحران دولت و طرحهای ریاضت اقتصادی دیگرش، میزان حداقل دستمزدها را هم در بر خواهد گرفت. نشانه اش نیز تعیین تنها ده درصد به دستمزدهای زیر خط فقر کارمندان دولت است. و در بحثهایشان در مورد میزان حداقل دستمزدها، اشاره شان به نرخ تورم ۱۳ تا ۱۴ درصد اعلام شده بانک مرکزی است. که ادعایشان کاهش بیشتر نرخ تورم است تا بر اساس آن سطح حداقل دستمزدها را پایین تر بیاورند. این در حالیست که مالیات بر ارزش افزوده را هم ۹ درصد اعلام کرده اند. بدین ترتیب بحث ها اساسا بر محور افزایش نهایتا ۱۲ درصد بر ۷۲۰ هزار تومان دستمزد کنونی می چرخد. نتیجه اینکه امسال خبر چندانی از افزایش حداقل دستمزدها نخواهد بود. و خلاصه اینکه این جانیان بیشرمانه از رقم سه میلیون و هفتصد هزار تومان به عنوان نرخ خط فقر سخن میگویند و در تدارک ادامه همان روال هر ساله و تحمیل فقر بیشتر به کارگران و تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر بر آنانند.

کانون عالی شوراهای اسلامی و پادوهای خانه

خواست افزایش دستمزدهاست. این تعرض حکومت را باید با اعتراضی سراسری پاسخ داد. پاسخ این گستاخی گسترش مبارزه بر سر خواست افزایش دستمزدهاست. و این مبارزه ای اجتماعی است که کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارگران بیکار، و بخش عظیم حقوق بگیران جامعه که با دستمزدهای چند بار زیر خط فقر در فلاکت و بی تمینی بسر میبرند، نیروی وسیع آن هستند. نیرویی که همین امروز در جنب و جوش و در اعتراض است. نیرویی که در مبارزات خود گامهای مهمی به جلو برداشته و گفتمان مشترک آن اینست که دیگر حاضر به زندگی زیر خط فقر نیست. نمونه هایش تجمعات سراسری هزاران نفره معلمان در طول یکسال اخیر، طومار ۵۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزد و پیگیری این خواست از سوی هماهنگ کنندگان این طومار، و مبارزات پرستاران در اعتراض به سطح نازل حقوقهایشان است. بطور مثال یک موضوع اعتراض پرستاران سطح نازل حقوقهایشان است و همین الان اولتیماتوم داده اند که اگر خواستهای آنها که در نتیجه اجرایش سطح حقوقهایشان را افزایش خواهد داد، اجرا نشود، اعتراضات سراسری خود را از سر خواهند گرفت. بازنشستگان نیز بارها و بارها با خواست افزایش سطح مستمری شان تجمعات اعتراضی برپا کرده اند. جوانان زیر ۲۹ سال که در تبصره ۳۳ برنامه توسعه ششم دولت هدف مستقیم حمله

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

### سردبیر این شماره: عل جواد

همکاران: سیامک بهاری، نسان نودینیان  
سهند مطلق

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.newchannel.tv

www.anternasional.com

سایت حزب:

سایت روزنه:

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال:

**به حزب کمونیست کارگری ایران  
پیوندید**

## لباس زیر زنان و برق گرفتگی رئیس جمهور سریلانکا



به چند نکته اشاره می‌کنم.

۱- نقد باید بی ملاحظه باشد خصوصا وقتی کسانی را نقد می‌کنی که کمر به انقیاد انسان بسته اند.

۲- در جامعه آزاد هیچ ناهنجاری را با شلاق جواب نمی‌دهند. همچنین آنچه که از نظر شما ناهنجار است از نظر من آزادی بیان و عمل است. عملی که آزاری به کسی نرسانده اما باعث وحشت مرتجعین می‌شود.

۳- من البته در هیچ کنسرتی چنین نکردم اما اگر یکی این کار را بکند من نه بر افروخته می‌شوم نه حکم زندان و شلاق صادر می‌کنم. ممکن است خوشم نیاید اما فوراً فتوای بگیر و ببند صادر نمی‌کنم.

۴- در آن کنسرت که اسمش هم عشق و سکس بود. زنانی که لباس زیر برای خواننده پرتاب کردند نه خواننده را رنجاند و نه کسی از تماشاگران شکایتی کردند پس مشکل رئیس جمهور سریلانکا چی هست؟

۵- در همین یادداشت اشاره کردم که زنان و مردان سریلانکا را در پارکها و کنار ساحل به جرم بوسیدن دستگیر می‌کنند، یک قدم کمتر از کاری که جمهوری اسلامی با مردم ایران می‌کند. رژیم اسلامی هم می‌گوید به جرم جریحه دار شدن احساسات اسلامی مردم، می‌گیرم و می‌زنم و زندان می‌کنم.

۶- بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی کنسرت هایی در ایران برپا خواهد شد که ممکن است خیلی از این که در سریلانکا رخ داده است

ادعا می‌کنید جامعه سریلانکا محافظه کار و سنتی است و به این دلیل زنان و مردانی که در پارک و کنار ساحل دریا همدیگر را بوسیده اند را دستگیر کرده اید. همین دخالت دادن پلیس در زندگی خصوصی مردم نشان میدهد که مثل همه جای دنیا این مردم نیستند که سنتی و محافظه کار اند. اگر اینطور بود نیازی نبود پلیس شما این زنان و مردان را دستگیر کند خودشان بخاطر حفظ آن سنتی که شما به آنها نسبت می‌دهید همدیگر را نمی‌بوسیدند. پس ارتجاع خودتان را به پای مردم ننویسید.

\*\*\*\*\*

پاسخ به "لباس زیر زنان و برق گرفتگی رئیس جمهور سریلانکا"

اسپریت میگوید:  
بسیار تند و بی ملاحظه نقد کرده ای... من به شخصه متوجه نقد متعصبانه از روی نظر شخصی جنابعالی نشدم.. ولی فکر میکنم در هر جامعه آزاد هم حفظ و رعایت هنجارهای اجتماعی ست که نشان دهنده تمدن آن جامعه است... شما آقای جاوید در کدامین کنسرت کدامین خواننده مطرح رفته ای و شرتت را به مثابه تمدن و آزادی به سوی او پرتاب کرده ای... که اگر کرده ای دوست دارم اثر و تاثیر جاودانه این جنبش آزادانه شما را بر روی خود، دوستان همراهت، دیگران شاهد که آنجا حضور دارند و خود خواننده تحویل گیرنده شرت شما، بدانم....

کیوان جاوید میگوید:  
سلام دوست گرامی. مرسی که نظرت را در باره یادداشت نوشته ای با اجازه

مایتریپالا سیریسنا، رئیس‌جمهوری سریلانکا می‌گوید که برگزارکنندگان کنسرت انریکه ایکلسیاس، خواننده مشهور اسپانیایی باید با "دم زهرآگین سفره ماهی" شلاق بخورند. دلیل عصبانیت آقای رئیس، «رفتار بد زنانی» است که در کنسرت انریکه حضور داشتند. ایشان رفتار زنان حاضر در کنسرت را «غیر متمدنانه» نامید و گفت از شنیدن اینکه آنها حین کنسرت، لباس‌های زیر خود را برای این ستاره موسیقی پرتاب کردند و برای بوسیدن و بغل کردن او به صحنه هجوم بردند، بهت زده شده است.

نه آقای رئیس! این زنان کار ناشایستی نکرده اند. این شما هستید که از قعر قرون وسطا به قرن ۲۱ پرتاب شده اید. دلیل بهت زدگی شما این است. این شما هستید که با پر و بال پیدا کردن دوباره مذهب در سیاست و حضور این لکه ننگ بشری در دولت بخود جرات داده اید حرف از شلاق زدن بمیان بیاورید. اما این زنان و مردان سریلانکا هستند که بر خلاف شما نماینده تمدن و آزادی فردی، و نماینده عدم دخالت پلیس و نیروی مسلح و دادگاه و... در زندگی خصوصی شهروندان اند. این یک نبرد جهانی بین تمدن بشری و ارتجاع جهانی است.

این زنان حق دارند در این کنسرت یا هر کنسرت دیگری بسته به میل و اراده خود لباس زیر یا دسته گل یا بوسه به سوی هر کسی که میلشان می‌کشد پرتاب کنند یا هر شخصی را که دوست دارند در آغوش بکشند. دندان روی جگر بگذارید و اگر تحمل دیدن این مظاهر طبیعی زندگی بشری را ندارید بروید و گورتان را گم کنید.

ایرانی و البته تحت تاثیر تبلیغات بد رژیم هم هستید. دلایلم اینها هستند.

۱- ضد عرب اید و به عرب ها توهین می‌کنید. اگر در اروپا زندگی می‌کردید همین حرف های شما پای شما را به دادگاه باز می‌کرد و به جرم توهین به مردمانی محکوم می‌شدید. عرب و «عجم» و اروپایی و آفریقایی و ... نه از هم کمتر اند نه به هم برتری دارند. این برتری طلبی ملی را طبقات دارا دامن می‌زنند که بین ما مردم تفرقه بیندازند و از اختلاف ما استفاده کرده و حکومت کنند.

\*\*\*\*\*

کسری میگوید:

بسیار عالی بود کیوان جان از تفکرتون خوشم اومد متأسفانه تو کشوری زندگی میکنم که مردمش از حرم خالی و مرده طلب شفا و حاجت میکنند در کل تو این کشور کار و تلاش جای خودش به حدیث و حاجت و دعا داده گیریم ک حکومت اسلامی از بین بره با مردمی ک جلوی انگلیس و فرانسه مهد تمدن میدون و به عربا موش خور و سوسمار خور میگوین ولی یک ماه خودشونو سگ عربا میدونن چیکار کنیم؟

با مردمی که خودشون دوس دارن تو غل و زنجیر اسارت و خفقا بمونن چیکار کنیم؟  
دیگه وقتی الگوی جوانای جامعه مون بشن تتلوی ... مغزی و الهام چرخنده (... نقاب زده و توبه کرده) از مردم عادی انتظار چه برخوردی رو داشته باشیم؟

\*\*\*\*\*

کیوان جاوید:

دوست گرامی با سلام ممنون که «تفکر» را قبول دارید اما غیر از این بقیه تفکر شما خوشحالم نکرد. بنظر من تفکر شما عمیقاً تحت تاثیر یک فرهنگ بد قرار گرفته است. فرهنگ ناسیونالیستهای

۲- مردم ایران را در بس و دست و پا بسته تحت تاثیر فرهنگی و سیاسی حکومت معرفی می‌کنید. اگر اینطور است پس این همه داد و فغان حکومت چیست؟ مردمی که به گفته سران رژیم نماز را کنار گذاشته اند و بی دینی روز به روز دارد بیشتر مد روز می‌شود. جوانانی که فوج فوج تحت تاثیر فرهنگ مدرن غربی قرار دارند. حتی فقط از ظاهر این جوانان می‌شود دید که آنها تحت تاثیر فرهنگ عزای اسلامی نیستند. موسیقی این جوان نوحه خوانی نیست بلکه موزیک زیر زمینی است. زنان را نگاه کنید که با بی حجابی یک تو دهنی بزرگ به رژیم زدند. پادمان باشد که خمینی در سال ۵۷ گفته بود پوست سر این زنان بد حجاب را می‌کنیم اما همین زنان با رفتار اجتماعی ضد اسلامی و ضد حکومتی خود دمار از روزگار حکومت اسلامی در آوردند. شایسته نیست بگوییم این مردم غل زنجیر اسارت حکومت اسلامی را داوطلبانه به دست و پای خود بسته اند. کافی است یک روز نیروی نظامی حکومت نباشند تا همین مردم کار حکومت را یکسره کنند. سال ۸۸ یک نمونه از خواست مردم بود که تا یک قدمی سرنگونی این رژیم پیش رفتند. شاد باشید